

ارتباط عقل و دین

-۲-

محدودیت‌های راه تحقیق
محدودیت درمباحث دینی
اسلام و فطرت

* * *
کتابخانه مدرسه فیضیه قم
محدودیت‌های راه تحقیق

زمان ما که عصر تحقیق و پرده برداری از اسرار جهان هستی است و هر روز علم و دانش حقایق نهفته را برای بشر کشف میکند، بشر را بیش از پیش کنجکاو و موشکاف ساخته تا آنجا که هر فردی بخود حق میدهد در هر موضوعی از موضوعات مداخله و در هر مسئله‌ای از مسائل اظهار نظر نماید.

کنجکاو و موشکافی بشر از نظر عقل و دین (۱) پسندیده است؛ ولی کنجکاو و حقیقت‌جویی امریست، و مداخله هر کس در هر موضوع امری دیگر، چیزی که منشأ این اشتباه شده این است که گفته میشود: امروز بشر هسته‌اتم را شکافته و سفینه فضائی بعالم بالا فرستاده و دیرباز زود در کرات دیگر فرود می‌آید و غفلت را این مطلب شده که آن بشری که باین درجه از پیشرفت علمی نائل آمده غیر از این بشری است که در خانه‌اش نشسته و قادر نیست کوچکترین ابزار زندگی خود را بسازد، بعلاوه تازه همان بشری که در یک قسمت از علوم اطلاعاتی بدست-

(۱) به کنجکاو و بشر در این عصر امام زین العابدین (ع) در روایتی اشاره نموده. و فرموده است: چون خدای متعال میدانست که در آخر الزمان مردمانی موشکاف و کنجکاو پدید می‌آیند؛ برای آنها سوره توحید و آیاتی از سوره حدید نازل فرمود. (اصول کافی باب النسبة)

آورده بخود حق نمیده که در رشته دیگری که از آن بی خبر است اظهار نظر کند. و اگر چنین جرئتی نماید نزد خردمندان و در محکمه وجدان مسئول است.

با تمام اعتبار و ارزشی که عقل بشر داراست و با همه موقیتهائی که انسان در دانش بدست آورده، در راه تحقیق و بررسی او محدودیتهائی وجود دارد که او را متوقف میسازد و هر محققى باید باین محدودیتهای توجه کند.

۱ - نیروی تشخیص عقل بشر محدود است و قادر بفهم بسیاری از مطالب نیست و هنگامیکه میخواهد در حقایق جهان رخش فکرا بجولان در آورد با توقف روبرو میشود از اینرو فلاسفه با اینکه بقبول بشر آزادی کامل در فهم حقایق عالم آفرینش داده اند، به محدودیت محکمه خرد اعتراف نموده و در تعریف فلسفه این محدودیت را اعلام کرده و گفته اند: فلسفه علم بحقایق اشیاء است با اندازه ای که بشر توانائی درك آنها را دارد.

کتابخانه مدرسه لیبیه در

و اگر در مواردی فیلسوف توقف کرد و از فهم آن مسائل اظهار عجز نمود در آنجا فیلسوف نه عقل خود را از کار انداخته و نه از حقیقت جوئی و مشرب فیلسوفانه خود دست کشیده، بلکه میگوید چشم عقل پیش از این نیروی دیدن ندارد.

دانشمندان امروز هم با تمام پیشرفتهائی که در پی بردن با سر راهستی بدست آورده اند اعتراف دارند که عقل بشر از عهده تفسیر و تعبیر بسیاری از رموز آفرینش عاجز و از حل کامل معمای خلقت ناتوان است.

پس در جائیکه فلاسفه و دانشمندان جهان به این محدودیت اعتراف کنند، جوانان ما نباید این توقع را داشته باشند که عقل خود را میزان سنجش حقایق جهان قرار داده و هر چه را عقل آنها دریافت تصدیق کرده و هر مطلبی را که از درك آن عاجز شدند انکار نمایند.

۲ - از طرف دیگر، تازه حقایقی که در جهان برای بشر قابل درك بوده و فلاسفه و دانشمندان با آنها رسیده و میرسند، همان حقایق برای همه مردم قابل فهم نیست، زیرا استعداد افراد بشر در فرا گرفتن علوم و معارف متفاوت است، و یک

حقیقت علمی برای بعضی قابل درک است و برای عده دیگر نه (۱) زیرا همه مسائل ضروری و بدیهی نیست تا مانند مسئله دود و تا چهار تا هر کسی آنرا دریا بد

بنا بر این توقع هر کس برای درک تمام حقایق بی مورد است .

۳ - با داشتن استعداد و قابل درک بودن مسائل باز هم اظهار نظر هر کس در هر مطلبی روانیست ، بلکه علاوه بر اینها شخص محقق باید مقدمات علمی رشته خاصی را که مورد نظر است فرا بگیرد ، تا بتواند در آن موضوع بررسی نموده و اظهار نظر نماید ، زیرا کسیکه مسائل ابتدائی ریاضی را نمیداند ، نمیتواند بفهمد که آیا زوایای مثلث مساوی یا دو قائمه هست یا نیست ؟ و همچنین شخصی که ظرفیت و وزن مولکولی اجسام را نمیداند ، قادر نیست فورمول های شیمی را حل کند ، و همینطور کسیکه بغیر از عالم طبیعت و ماده چیزی نشناخته ؛ و در آفریدگار جهان شك و تردید دارد از درک مسئله نبوت و فرستاده خدا ، و بحث اعجاز و امر خارق العاده مسلماً عاجز است .

۴ - راه تحقیق بعضی از مطالب مانند اثبات وجود پروردگار منحصر به برهان عقلی است ، و نباید انتظار داشت که آن مسئله از راه تجربه و آزمایش یا از راه نقل تاریخ و حدیث بررسی شود ، و اگر دلیل نقلی هم در اینگونه مباحث بچشم بچورد منکی ببرهان عقلی بوده ، و خود آن نقل هم راهنمای خرد است بسببکه استدلال ، و در دلیل عقلی تفاوت نمیکند ، که خود ما پی ریزی برهان کنیم ؛ یا دلیلی را که دیگری بیان کرده بررسی نموده ، با میزان خرد آنرا بپذیریم ، زیرا ملاک درستی برهان جز پذیرش عقل چیز دیگری نیست .

همچنین بار ای از مسائل راه اثبات ندارد جز از راه دلیل نقلی ؛ و توقع حل آن از راه عقل بی مورد است : مثلاً اگر بخواهیم بدست بیاوریم ؛ که ارسطو در چه زمان زندگی میکرد ، راه اثبات او منحصر است به مراجعه تواریخ معتبره بدیهی است با فشار آوردن بمغز و فکر خود این مسئله حل نمیشود ، آری پاره از مباحث چون دارای هر دو راه عقلی و نقلی بوده ، از هر دو راه میتوان به کشف آنها

(۱) از این رو پیغمبر اکرم (ص) فرمود: ما پیغمبران ماموریم با مردم باندازه

خردهای آنها گفتگو کنیم (اصول کافی کتاب العقل والجهل)

پرداخت . ولی باید متوجه بود که در منقول به نقلی نمیتوان اعتماد کرد بلکه فقط آن نقلی معتبر است که از دست و زبان مردمان امین و موثق بدست آمده و با اصول مسلمه عقلی و مبانی متقن نقلی مخالف نباشد .

با این بیان روشن شد که در راه تحقیق همه مباحث دینی و غیر دینی، از چهار جنبه محدودیت وجود دارد ، و خلاصه آنها این است :

- ۱ - از نظر محدود بودن نیروی عقل .
- ۲ - از نظر محدود بودن استعداد های شخصی .
- ۳ - از نظر آشنا نبودن بمقدمات علمی .
- ۴ - از نظر محدود بودن راه تحقیق .

محدودیت در مباحث دینی

و یا این بیان به پرسشی که در شماره قبل عنوان کردیم که (آیا محکمه عقل صلاحیت تحقیق در همه مباحث دینی دارد ، یا فقط صلاحیت او منحصر است به بعضی از مسائل) میتوان پاسخ داد و گفت : از نظر محدود بودن نیروی عقل و از نظر محدوده بودن راه تحقیق ، عقل بشر فقط صلاحیت تحقیق در بعضی از مسائل را دارد و در برخی دیگر فاقد صلاحیت است ، و همانطور که ملاحظه شد این محدودیت ها اختصاص بمسائل دینی نداشته ، بلکه در هر رشته از علوم این محدودیت وجود دارد ، و مسلماً افراد کم استعداد و بی اطلاع از مقدمات علمی دارای محدودیت بیشتری هستند

برای ارضاء حس کنجکاوی این دسته از مردم باید متذکر شد ، که درست است انسان فطرتاً خواستار است که هر مطلبی را شخصاً رسیدگی کند ، ولی متأسفانه در هیچ محیطی از زندگی این خواسته عملی نیست ، مگر نه انسان کمال اشتیاق را دارد که از درد و درمان خود شخصاً با خبر بوده و مستقیماً بنحوی اطمینان بخش خود را معالجه کند ، ولی از آنجا که اطلاع او محدود است ، ناگزیر است به پزشک مراجعه کرده ، و به دستور او عمل کند ، بدون اینکه در خصوصیات بیماری و تأثیر دارو بر روی آن تحقیق نماید ، و همچنین هر فردی علاقمند است که محاسبات دقیق را شخصاً عهده دار شود ، ولی برای تسهیل امر و سرعت در

عمل در دنیای امروز در تمام شئون اقتصادی و اجتماعی دستگاههای الکترونیک بکار افتاده و از ماشین حساب و مغز الکترونیک استفاده میکنند (۱)
 البته در صورتی میتوان گفتار پیغمبری را بدون ادراک عقلی پذیرفت که پیغمبری و مصونیت او از خطا و اشتباه ثابت شده باشد؛ و در صورت تردید باید به تحقیق و بحث در نشانه پیغمبری او پردازد؛ تا حقیقت برای او روشن شود.

اسلام و فطرت

همانطور که در شماره گذشته بیان شد قضاوت عقل و ارزش آن امریست فطری و در قرآن مجید بکلی بیان شده که منطق اسلام را روشن میسازد، و آن اصل بنیانگیزی این دین است بر اساس فطرت (فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرة الله التي فطر الناس علیها) (۲) روی این اصل اسلام امور فطری و غریزی را محترم شمرده و اساساً دین برنامه ایست برای در-ت بکار بردن غرائز و فطریات.

باین بیان باین نتیجه میرسیم که اعتبار استدلال و برهان عقلی کاملاً با دین ارتباط دارد زیرا بکار بستن عقل چیزی نیست جز فطرت، و فطرت چیزی نیست جز دین و عبارت دیگر گرچه پرواز شاهباز عقل محدود است، ولی این محدودیت از ناحیه خود اوست، و گرنه او تا هر اندازه ای که قادر بطیران باشد از نظر دین هیچگونه مانعی برای او بنظر نمیرسد و شاید بتوان باین اصل بکلی اصل دیگری را اثبات کرد و آن اصل قاعده معروفه بین دانشمندان است که هر چه عقل سلیم به نیکی آن حکم میکند؛ دین هم بهمان حکم میکند و هر چیزی را خرد به زشتی آن فرمان میدهد؛ دین هم بهمان فرمان میدهد (۳) (دقت شود).

و باین اصل، سازگاری کامل دین با عقل روشن میشود و آیات دیگری در این زمینه هست که همین اصل را تشریح مینماید امیداست در آینده به بیان آنها موفق شویم.

(۱) مجله دانشمند شماره ۱۴

(۲) (- و روم ۳۰-) روکن باین دین حنیف فطرت خدائی آن فطرتی که

آفریدگار مردمرا بر آن - رسته است.

(۳) کلاماً حکم به العقل حکم به الشرع